یادداشت روز

در حاشیه حرکتی صنفی در فضای تجسمی

دعوت از میزبان

فرید امین‌الاسلام

● اخیرا در فضای مجازی حرکتی صنفی از سوی هنرمندان تجسمی کشور شکل گرفته است مبنی بر دعوت از دکتر علیرضا سمیع‌آذر برای ریاست موزه هنرهای معاصر. این دعوت با استقبال کم‌نظیر هنرمندان تجسمی همراه شده است، از پیشکسوتان و بزرگان این عرصه تا دانشجویانی که در دوره مدیریت قبلی سمیع‌آذر دوران نوجوانی خود را می‌گذراندند. فارغ از اینکه آیا اگر چنین دعوتی رسما صورت گیرد، ایشان این دعوت را قبول می‌کنند یا خیر، این پرسش مطرح می‌شود که چه عامل و انگیزه‌ای یا به عبارت امروزی‌تر چه «امیدی» به‌وجود آمده است که هنرمندان دست به‌چنین اقدامی بزنند؟

با یک بررسی کوچک می‌توان پی برد که متاسفانه تابه‌حال هیچ‌گونه نقد و تحلیلی موشکافانه‌ای بر عملکرد موزه هنرهای معاصر تهران، از بعد انقلاب اسلامی تا به حال صورت نگرفته است. البته چند بار و به صورت گذرا نقدهایی در این زمینه نوشته شده که جنبه تحلیلی نداشته است. پس چرا هنرمندان نسبت به دوره مدیریت علیرضا سمیع‌آذر (۱۳۷۷تا۱۳۸۴) تا به این حد حس نوستالژی را دارند و در مصاحبه‌ها و مناسبت‌های مختلف آن را ابراز می‌کنند؟ در پاسخ به این سوالات در ابتدا باید بدانیم که از موزه هنرهای معاصر چه چیزی طلب می‌کنیم و این موزه چه جایگاهی دارد؟ ماموریت این موزه در هنر ایران چیست؟ شاید از دیدگاه مسوولان فرهنگی-سیاسی نه‌تنها این موزه بلکه بقیه موزه‌ها فقط انباری هستند برای نگهداری آثار هنری. ولی از دید هنرمندان، موزه هنرهای معاصر جایگاهی رفیع‌تر دارد. آنجا مکانی است برای معرفی هنر معاصر ایران به جهان؛ اتفاقی که به‌جرات می‌توان گفت فقط در دوران مدیریت سمیع‌آذر صورت واقع به خود گرفت.

ویژگی‌های سمیع‌آذر را می‌توان به دو دسته تقسیم

کرد؛ دسته اول خصوصیات مدیریتی اوست. او کسی است که در مقام یک مدیر دولتی قدرت چانه‌زنی با طیف‌های مختلف سیاسی و هنری را دارد. از یک طرف می‌تواند اعتماد مدیران سیاسی را جلب کند و از طرف دیگر می‌تواند با همه طیف‌های هنری تعامل داشته باشد. از هنرمندان به اصطلاح چپ آوانگارد تا هنرمندان متعهد. او می‌تواند همه طیف‌ها را تا حدی راضی نگه دارد کمااینکه در دوران قبلی مدیریت خود این کار را انجام داد. او می‌تواند فارغ از تمام فشارهای سیاسی به‌عنوان یک مدیر دولتی با مراکز هنری جهان ارتباط و تعامل داشته باشد. شرکت آبرومندانه در بینال ونیز و دیگر بینال‌ها در دوران مدیریتی ایشان شاهد مثال این مدعا است. دسته دوم خصوصیات فردی ایشان است. تدریس می‌کند. اهل ترجمه و تالیف است. نهادهای هنری جهان او را می‌شناسند. افق‌های آینده هنری را حدس زده و مطابق با آن می‌تواند سیاستگذاری خُرد و کلان کند. ظرفیت‌های هنری جوانان را تشخیص می‌دهد. برگزاری نمایشگاه هنرهای مفهومی در دوران مدیریت ایشان صورت گرفت؛ همان نمایشگاهی که مشارکت بالای جوانان هنرمند را به‌دنبال داشت. در دوران مدیریت ایشان شاهد دو خصیصه توامان و متضاد جسارت و محافظه‌کاری بودیم که برای هر مدیر هنری در جمهوری اسلامی ایران لازم است و دست‌آخر تنها کسی که بتواند به‌قول یکی از کاندیداهای ریاست‌جمهوری از همه ظرفیت‌ها استفاده کند و آنها را تجمیع کند، اوست. البته سمیع‌آذر مخالفانی هم دارد؛ تندروهای هر دو طیف هنرمندان. اما همه ما باید واقع‌بین باشیم. همه می‌دانیم که سمیع‌آذر قهرمان هنرهای تجسمی نیست. اگر هم این مسوولیت بر عهده او بیفتد، شاید مانند سابق نتواند عمل کند. شرایط سیاسی و اجتماعی تغییر کرده. برای پاسخگویی به انباشت مطالبات هنرمندان یک نفر به‌تنهایی نمی‌تواند کاری انجام دهد. نیاز به یک عزم سیاسی-فرهنگی است و همین‌طور به یک تیم همفکر و عملگرا تا در چنین بستری مدیریت احتمالی سمیع‌آذر بتواند دم مسیحایی باشد بر پیکره نیمه‌جان هنرهای تجسمی معاصر ایران.

خبر روز

«ییمو» از انقلاب فرهنگی می‌گوید

● ژانگ ییمو فیلمساز کهنه‌کار چینی داستان انقلاب فرهنگی کشورش را در فیلم «بازگشت» به تصویر می‌کشد و گونگ‌لی ستاره سینمای چین هم بار دیگر با او همکاری می‌کند. «بازگشت» به موضوعات مختلفی چون دوره بحث‌برانگیز انقلاب فرهنگی در تاریخ چین می‌پردازد. این اثر اقتباسی است از رمان «لو یانشی جنایتکار» نوشته یان گلینک. ژانگ ییمو پیش از این «گل‌های جنگ» با بازی کریستین بیل را نیز با اقتباس از اثر دیگری از این نویسنده به فیلم تبدیل کرده بود. نوشتن فیلمنامه «بازگشت» برعهده ژو جینگشی است که فیلمنامه «هزاران مایل راندن به تنهایی» را نیز برای ژانگ ییمو نوشته بود.

در کنسرت خیریه ناظری برای دختران «شین‌آباد» اعلام شد

تشکیل شورای هنرمندان برای امور خیریه

مرتضی محسن‌پور

عکس: امیر جدیدی، شرق

کم‌کم هوای پاییزی از راه می‌رسد و سوز آن همه‌جا را فرامی‌گیرد. پاییز سال پیش بود که آتشی در کلاس درس مدرسه دخترانه روستای شین‌آباد گر گرفت و سبب شد تعداد زیادی از کودکان معصوم در این آتش مصدوم شوند و چند نفر نیز جان خود را از دست بدهند. حالا این آتش به جان شوالیه آواز ایران افتاده و او را بر آن داشته تا «آتش در نیستان» خود را به میان مردم بیاورد تا از عواید اجرای آن بتواند بخشی از آسیب‌های واردشده به جان و روح کودکان شین‌آبادی را التیام بخشد.

شهرام ناظری اما در این راه تنها نیست. شوالیه آواز ایران با همراهی شماری از هنرمندان نامدار ایران از جمله عزت‌الله انتظامی، جمشید مشایخی، علی نصیریان و بهمن فرمان‌آرا قصد دارد گروهی را برای جمع‌آوری کمک‌های مالی برای امور خیریه تشکیل دهد. نماینده مردم پیرانشهر در مجلس شورای اسلامی نیز از دیگر میهمانان این کنسرت بود. شامگاه پنجشنبه ۲۸ مهر سالن میلاد نمایشگاه بین‌المللی تهران میزبان برپایی اولین شب کنسرت شهرام ناظری بود. این کنسرت چند میهمان ویژه داشت؛ جمشید مشایخی بازیگر نامدار سینما و تلویزیون، دکتر بهفر که ابراز آمادگی کرده تمامی هزینه‌های بیمارستانی دختران آسیب‌دیده شین‌آبادی را برعهده بگیرد و مدیا کاشیگر، نویسنده و منتقد بنام. ناظری اعلام کرد کسانی که می‌خواهند به این کودکان کمک کنند می‌توانند به شماره ۸۸۱۲ همراه اول پیامکی خالی را بفرستند و پس از آن مبلغ موردنظرخود برای کمک کردن را با پیامک برای این شماره ارسال کنند تا این مبلغ روی قبض تلفن همراه آنان آورده شود. ناظری در ابتدا اشاره‌ای به انگیزه برپایی این کنسرت کرد و از درخواست‌های فراوان برای اجرای مجدد آثار نوستالژیک و مهم‌تر از آن شروع سال تحصیلی جدید و همدلی با دختران آسیب‌دیده پیرانشهری. او همچنین در این اجرا دو خبر مسرت‌بخش داد؛ یکی تشکیل شورایی متشکل از هنرمندان برای انجام کارهای خیر و دریافت مساعدت‌های مالی و دیگری تشکیل گروه بزرگ آوازی در آینده‌ای نزدیک. حالا این هنرمند مردمی پس از سال‌ها خاطره‌سازی با موسیقی و صدایش برای مردم، چنان جایگاهی را پیدا کرده که وقتی برای کمک به کودکان حادثه شین‌آباد طلب یاری می‌کند بلافاصله با همراهی همه قشرها روبه‌رو می‌شود. و اما اجرا... سالن کنسرت مملو از جمعیت بود. هیچ‌یک از صندلی‌های سالن خالی نبود. البته عجیب هم نبود. وقتی شوالیه تصمیم به برگزاری کنسرت می‌گیرد تمامی بلیت‌ها روزها قبل از کنسرت به فروش می‌رسند. توجه همیشگی شوالیه آواز ایران به مولوی چنان است که حتی در صحنه نیز تمثیلی از دو مرد را که در حال سماع هستند، می‌بینیم. روی سن هم شمع‌هایی چیده شده‌اند تا صحنه‌آرایی ساده کنسرت استاد را دلپذیرتر کنند. تمامی اعضای گروه مشکی به تن کرده‌اند و لحظاتی پس از ورود آنها به صحنه، شوالیه آواز ایران در میان تشویق پرشور حاضران پا به صحنه می‌گذارد. اجرا با تکنوازی عود شروع می‌شود و با نوای کمانچه درمی‌آمیزد و بعد صدای استاد است که روی آن می‌نشیند: «پیدا شدم پیدا شدم... پیدای ناپیدا شدم... شیدا شدم... شیدا شدم.» صدای استاد و شعر مولانا کار خود را می‌کند و جمعیت حاضر در سالن را از همان ابتدا درگیر خود می‌کند. در ادامه تکنوازی تار است که با آواز مثنوی‌معنوی همراه می‌شود و شب شهریورماهی را دلپذیرتر می‌کند: «عاشقی پیداست از زاری دل... نیست بیماری چو بیماری دل... علت عاشق ز علت‌ها جداست... عشق اسطرلاب اسرار خداست...» فضا را چنان بهت گرفته که برخی محو در موسیقی و برخی محو در صدای ناظری شده‌اند. شوالیه هم در ادامه تصنیف «راست بگو نهان مکن» را می‌خواند تا این فضا را تغییر دهد. حالا آواز عشاق یا همان اصفهان است که با همراهی کمانچه و عود و دف و تنبک و تار و سه‌تار در فضای سالن طنین‌انداز می‌شود: «دوش چه خورده‌ای دلا راست بگو نهان مکن... چون خمشان بی‌گنه روی بر آسمان مکن.» هنوز تصنیف بعدی شروع نشده که دکلمه شعر با تشویق حاضران همراه می‌شود. شهرام ناظری دکلمه می‌کند: «بازآمدم چون عید نو تا قفل زندان بشکنم... وین چرخ مردم‌خوار را چنگال و دندان بشکنم.» این تصنیف چنان با تشویق‌های مردم همراه می‌شود که گویی شنیدن آن در این‌روزها بیشتر برایشان لذت‌بخش بوده است. پس از پایان این بخش شهرام ناظری از جمشید مشایخی دعوت کرد تا روی صحنه بیاید. حضور مشایخی روی صحنه و درآغوش گرفتن ناظری توسط او صحنه‌ای کم‌نظیر را پدید می‌آورد. مشایخی شوالیه آواز ایران را هنرمندی بزرگ، عاشق و عارف معرفی می‌کند و می‌گوید: کیست که در این مجلس باشد و با اجرای ایشان و یارانش عاشق نشود. او در ادامه شعری را نیز می‌خواند: «همچو شمع از شرر عشق گدازان بودن / عشق دردی است که هم درد بود دایه او.» جمشید مشایخی با تشویق گرم حاضران و همراهی اعضای گروه پایین می‌آید و شهرام ناظری از او تشکر می‌کند. حالا نوبت به یکی از تصنیف‌های ماندگار استاد می‌رسد؛ تصنیفی که هنوز هم پس از سال‌ها شنیدن آن لذت‌بخش است. شوالیه آواز ایران سه‌تار خود را به دست می‌گیرد و با پیش‌درآمدی کوتاه وارد آواز می‌شود: «دلا نزد کسی بنشین که او از دل خبر دارد» البته همان ابتدا که ناظری شروع به نواختن سه‌تار می‌کند با استقبال همه حاضران همراه می‌شود: «الا یا ایهاالساقی ادر کاسا و ناولها... که عشق آسان نمود اول ولی افتاد مشکل‌ها» آواز بیات ترک و موسیقی جاودانه زنده‌یاد جلال ذوالفنون در این شب غوغا می‌کند. شهرام ناظری همچنان ما را در خاطره‌ها نگه می‌دارد. بازهم قطعه‌ای دیگر در آواز بیات ترک و این‌بار با شعری از مولوی: «اندک‌اندک، اندک‌اندک، جمع مستان می‌رسند... اندک اندک، اندک اندک، می‌پرستان می‌رسند.» در ادامه کنسرت بخشی که بسیاری منتظرش بودند فرامی‌رسد. موسیقی کردی آن‌هم با صدای شوالیه آواز ایران. این بخش یک میهمان ویژه هم داشت: سحر ابراهیم که به اعضای گروه مولوی اضافه شد و در ابتدا با قانون‌نوازی فوق‌العاده زیبایش جمعیت را مات‌ومبهوت هنرمندی خود کرد. ناظری در این بخش تعادلی میان غم و شادی را در نظر گرفت. نه تمامی موسیقی کردی را به خواندن قطعات شاد سپری کرد و نه تمام آن را به موسیقی غمناک. حالا بخش پایانی کنسرت می‌رسد و قطعه‌ای که پیوندی عمیق با آنچه که امشب به‌نامش نام‌گذاری شده دارد: «آتش در نیستان» که شروع می‌شود بسیاری با آن زمزمه می‌کنند: «یک شب آتش در نیستانی فتاد... سوخت چون اشکی که بر جانی فتاد». کنسرت به پایان می‌رسد اما درد و رنج ناشی از آسیب‌هایی که به دختران شین‌آبادی خورده هنوز پایانی ندارد. شهرام ناظری را در این اجرا که شب گذشته هم تکرار شد، صابر نظرگاهی (تار، دیوان)، شهرام محمدی (دیوان، سه‌تار)، بابک غسالی (عود)، نگار خارکن (کمانچه‌آلتو)، شهریار نظری (دف)، راشد باباشهابی (کمانچه) و فرهاد صفری (تنبک، دمام، دهل) و سحر ابراهیم (قانون) همراهی کردند.

همدلی پیامکی

کسانی که می‌خواهند به این کودکان کمک کنند می‌توانند به شماره ۸۸۱۲ همراه اول پیامکی خالی را بفرستند و پس از آن مبلغ موردنظرخود برای کمک کردن را با پیامک برای این شماره ارسال کنند تا این مبلغ روی قبض تلفن همراه آنان آورده شود

حسین علیزاده در نشست خبری گروه «هم‌آوایان»:

هوای تازه به مشام هنرمندان رسید

سحر آزاد

حسین علیزاده بار دیگر تور کنسرت‌های خود را آغاز می‌کند. او به‌همراه گروه «هم‌آوایان» قصد دارد هر سال با موسیقی یکی از نقاط ایران سوغاتی‌اش را به آن شهر هدیه کند، آن هم در شرایطی که به گفته او هوای تازه به مشام هنرمندان رسیده و فرصتی فراهم شده است تا بتوانیم سرمان را در دنیای موسیقی بلند کنیم. نشست خبری حسین علیزاده و گروه هم‌آوایان ظهر پنجشنبه، ۲۸ شهریور در موزه موسیقی برگزار شد. علیزاده در ابتدای این نشست با ابراز خرسندی از برگزاری دوباره جشنواره موسیقی جوان پس از شش سال، درباره از سرگیری تور کنسرت‌های خود گفت: «در کنسرت‌های قبلی، به هر شهری که پا می‌گذاشتیم آرزو می‌کردیم که ای کاش اهوازی، بهبهانی، تبریزی و... بودیم. این کار انگیزه‌ای در من ایجاد کرد، ضمن اینکه در یکی از نشست‌ها خبرنگاری از من پرسید که وقتی به شهرستان‌ها می‌روید، تاثیری روی کار شما ندارد؟» به گفته او در آخرین کنسرتی که در تبریز برگزار شد، تشویق مردم باعث شد تا علیزاده تصمیم بگیرد به‌همراه گروه هم‌آوایان برنامه‌هایی با استفاده از موسیقی بومی شهرها اجرا کند: «هر سال موسیقی‌هایی از یک منطقه خواهیم داشت و سوغاتی خودمان را به آنجا می‌بریم.» آهنگساز «نی‌نوا» سپس به بخش دوم کنسرت اشاره کرد: «بخش دوم، گلچینی از ادبیات ایران با شعرهای کلاسیک و معاصر با اشعاری از شهریار، نیما یوشیج، سلمان ساوجی و مولاناست.» علیزاده با بیان اینکه به غیر از محمد معتمدی، سه خواننده دیگر نیز گروه را همراهی می‌کنند، درباره حضور این خواننده گفت: «همیشه دوست داشتم به افرادی نزدیک شوم که موسیقی را وسیله‌ای برای ابراز درون می‌دانند و خود را در حصار قراردادهای رایج موسیقی قرار نمی‌دهند. سال‌ها پیش اجرای تصویری معتمدی را با محمدرضا لطفی دیدم و به دلم نشست. وقتی به خوانندگان دیگر پیشنهادهایی غیرمستقیم برای اجرای آذری دادم، ترسی در آنها دیدم اما معتمدی زمانی که این موضوع را فهمید پر درآورد و خوشحال شد که می‌تواند فضای دیگری در آوازش استفاده کند.» او سپس در پاسخ به سوالی درباره کمی برگزاری کنسرت در شهرستان‌ها گفت: «تقصیر هنرمندان نیست بلکه مسوولان هستند که باید برای برگزاری کنسرت در شهرستان‌ها اقدام کنند. آیا مجوز وزارت ارشاد برای برگزاری کنسرت فقط در تهران اعتبار دارد یا در همه جای ایران مورد پذیرش است؟ آیا مقامات پایین‌تر از وزارت ارشاد می‌توانند تصمیمات مرجع بالاتر خود را اجرا نکنند؟ آیا قانون فقط در تهران قابل اجراست؟ اینها سوالاتی است که هنوز کسی پاسخ روشنی به آنها نداده است.» آهنگساز «به تماشای آب‌های سپید» در ادامه صحبت‌هایش به وضعیت این روزهای کشور نیز اشاره کرد: «جامعه ایران در شرایطی است که از چند ماه قبل احساس شد، مردم احتیاج به امید دارند و از مشکل‌تراشی خسته شده‌اند. من هم از مشکلاتی که برای برپایی کنسرت داشتم، خسته شده بودم. شرایط ایران احتیاج به هوای تازه دارد. این هوای تازه به مشام هنرمندان رسیده و حرکتی را در میان آنها ایجاد کرده است. الان روحیه مقابله هنرمندان با وزارت ارشاد وجود ندارد و دلمان می‌خواهد شرایط طوری شود که سرمان را در دنیای موسیقی بلند کنیم چون الان نمی‌توانیم سرمان را بلند کنیم.»

پس از آن محمد معتمدی، خواننده گروه هم‌آوایان نیز درباره تجربه خواندن به زبان آذری چنین گفت: «در یکی از جشنواره‌های موسیقی فجر، هنرمند هلندی قطعه «الهه ناز» را اگرچه با اشتباه‌هایی در بیان کلمات و... اجرا کرد اما تماشاگران از سر ذوق اشک ریختند. برای من‌هم جذاب است که قطعات آذری را اجرا کنم چون فرصتی است تا بتوانم ارادت خودم را به مردم آذربایجان اعلام کنم.» محمدحسین توتونچیان، مدیر موسسه فرهنگی - هنری ققنوس و برگزارکننده کنسرت در تهران هم از دیگر سخنرانان این نشست بود که از فروش تمام بلیت‌های کنسرت در تهران خبر داد.

عکس: مهدی حسنی، شرق

چهره روز

عیاری: می‌خواهم بعد از ۳۱ ماه فیلم بسازم

● **بهناز شیربانی:** شامگاه ۲۸شهریور مراسم بزرگداشت کیانوش عیاری نویسنده و کارگردان پیشکسوت سینمای ایران در فرهنگسرای ارسباران برگزارشد. رضا درستکار (منتقد) اجرای این مراسم را برعهده داشت و هوشنگ گلمکانی، پرویز شهبازی، ناصر هاشمی، آفرین عبیسی، داریوش اسدزاده، سعید پورصمیمی، علیرضا زرین‌دست، امیرشهاب رضویان، خسرو معصومی بهاره افشار از جمله چهره‌هایی بودند که در رابطه باویژگی‌های اخلاقی و کاری عیاری صحبت کردند. سعید پورصمیمی بازیگر سینما، تلویزیون و تئاتر با بیان اینکه خوشحال است برای کیانوش عیاری بزرگداشت برگزار شده، گفت: «خوب است تا بزرگان ما زنده هستند، برای آنها بزرگداشت برگزار شود.» او به آشنایی‌اش با کیانوش عیاری در دهه ۵۰ اشاره کرد و گفت: «من در یک اداره‌ای که مربوط به تلویزیون بود کار می‌کردم که این اداره در همسایگی سینما آزاد بود و کم‌وبیش با برخی از فیلمسازان آشنا بودم و اتفاقا آقای عیاری را می‌شناختم. فیلم «آنسوی آتش» را ساخته بود و فیلمش را دیده بودم و فیلم «آبادانی‌ها» باعث شد آشنایی بیشتری درباره هم پیدا کنیم.» هوشنگ گلمکانی روزنامه‌نگار و سردبیر مجله فیلم نیز گفت: «من همیشه فیلم‌هایی را دوست دارم که به‌نظر می‌رسد کارگردان ندارد. کیانوش عیاری از جمله کارگردان‌هایی است که به‌نظر می‌رسد سرصحنه فیلمبرداری حضور ندارد و به‌نظر من این سخت‌ترین نوع کارگردانی است.» کیانوش عیاری در پایان مراسم از هنرمندانی که درباره او صحبت کردند تشکر کرد و گفت: «امشب احساس می‌کنم بعد از صحبت‌های دوستان وجه دیگری از شخصیت من رونمایی شد. این روزها فکر می‌کنم بعد از ۳۱ماه دوست دارم فیلم بسازم. با انرژی‌ای که این روزها فیلمسازان و هنرمندان ما درست یا کاذب پیدا کرده‌اند من هم دوست دارم دست به کار شوم و فیلم بسازم. من آماده هستم که به سمت فیلم ساختن حرکت کنم. به‌عنوان یک فیلمساز تنها توصیه‌ای که به فیلمسازان جوان دارم این است که سعی کنید در فیلم‌هایتان دیده نشوید.» در پایان مراسم از تابلویی با عکس کیانوش عیاری که با امضای هنرمندان حاضر در مراسم بود رونمایی شد و هدیه‌ای به رسم یاد بود به عیاری تقدیم شد.